

جهانی شدن، آموزش عالی و تحقیقات بنیادی

طاهره جاویدی کلاته جمفرآبادی

استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

tjavidia@ferdowsi.um

مرضیه عالی

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد

aali.hm@gmail.com

آموزش و تحقیق به طور عام و آموزش عالی به طور خاص علمی محیی در ایجاد بنیادهای تکامل هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. از این رو، در عصر حاضر توجه به مکرر استراتژی‌کننده دانشگاه‌ها به منظور برطرف کردن نیازها و کارآمدی چالش‌های علمی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی از هر گونه استبداد و استعمار علمی و فرهنگی در جهت جهانی‌سازی است. از سویی دیگر، یکی از اهداف اساسی برنامه آموزشی عالی، رشد و توسعه دانش جهانی در کلیه علوم مختلف است و هر گونه برنامه‌ریزی یا طرحی که منتهی به این صورت باشد، باید بر این اساس، سؤال اصلی ما در مقاله حاضر این است که چگونه می‌توانیم جهانی‌سازی را برای تحقیقات بنیادی دانشگاه‌ها به همراه داشته باشیم؟ به منظور پاسخگویی به این سؤال، ابتدا مفهوم و سیر تاریخی جهانی شدن و مفروضات و بنیادهای فلسفی آن تشریح شده و پس از بررسی برخی از یافته‌های جهانی شدن در آموزش عالی به طور عام، در پایان به منظور تحقق ازیات جهانی‌های اخیر بر تحقیقات بنیادی دانشگاهی، تحلیل شده است.

کلیدی است که در این پژوهش، به منظور توسعه و تحلیل فلسفی از روش تحقیق فلسفی

تحلیلی-استقناسی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، مفروضات فلسفی، آموزش عالی و تحقیقات بنیادی

مقدمه

روند تحولات در قرن بیستم در دهه ۱۹۷۰ میلادی وارد مرحله جدیدی شد به طوری که در اواسط دهه ۱۹۸۰ تقریباً در تمامی زمینه‌ها اثر خود را بر جای گذاشت و مانند هر پدیده نوین اجتماعی به تدریج تغییر در ساختارهای سنتی جوامع را هدف قرار داد (ایران‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۶). نظام آموزشی هر کشوری، به ویژه آموزش عالی از جمله این ساختارها است که در طی این فرایند دچار تغییر و تحول می‌گردد. به بیانی دیگر، تغییرات قابل توجهی که امروزه در آموزش عالی و سیستم‌های دانشگاهی به وقوع پیوسته تا حدود زیادی مربوط به حرکت آموزش عالی در مسیر جهانی‌شدن است. این تغییرات که به منظور پیوند زدن چشم‌اندازهای مؤسسات دانشگاهی به چشم‌اندازهای جهانی صورت گرفته، به دگرگونی رسالت دانشگاه‌ها منجر شده است (رودس^۱، ۲۰۰۳: ۱۴). به عنوان مثال، شورای بین‌المللی مبادلات آموزشی^۲ رسالت وب‌سایت خود را چنین بیان نموده است: «کمک به افراد در جهت کسب دانش و مهارت برای زندگی در دنیایی که با تحولات فرهنگی و ارتباطات متقابل جهانی مواجه است (شورای بین‌المللی مبادلات آموزشی، ۲۰۰۶: ۲). همچنین، دانشگاه مریلند^۳ برنامه اصلی کار خود را کوشش برای آماده سازی دانشجویان در جهت تحلیل و مواجهه اثربخش با تحولات فرهنگی جهانی بیان نموده است (سیننجن^۴، ۲۰۰۰: ۲۰).

علاوه بر این، بازگشایی دانشگاه تجارت جهانی در برخی از نواحی در سال‌های اخیر، مبین تغییر جایگاه دانشگاه در جهت اجرای برنامه‌های بانکداری بین‌المللی، قانون تجارت و سایر زمینه‌های مطالعاتی مفید برای توسعه تجارت جهانی است. ظهور شعبات دانشگاهی با عناوین دانشگاه مجازی و دانشگاه جهانی در برخی دانشگاه‌ها، تأکید بر زبان انگلیسی به عنوان زبان علمی و بین‌المللی، تسری خدمات دانشگاهی در قالب توافقات تجاری به نقاط مختلف

1. Rhoads
2. CIEE: Concil on International Education Exchange
3. UMBC: University of Maryland Baltimor Country
4. Sinnigen



دنیا و پرداخت‌های دانشگاهی از صندوق بین‌المللی پول^۱ از دیگر نمودهای نفوذ پدیده جهانی شدن در سیستم‌های دانشگاهی است (رودس، ۲۰۰۳: ۵). در اینجا، به منظور تصریح اثرات جهانی شدن بر آموزش عالی، واژه جهانی شدن و سیر تاریخی آن و نیز برخی از مفاهیم مهم مرتبط، به اختصار بررسی می‌شود.

مفهوم شناسی و سیر تاریخی جهانی شدن

علی‌رغم کاربرد فراوان واژه «جهانی شدن» در عرصه‌های مختلف اجتماعی، هنوز تعریف جامعی که مورد توافق همگان باشد، از آن ارائه نشده است. این امر ممکن است دلایل متعددی داشته باشد که در اینجا به دلیل رعایت اختصار به دو مورد اشاره می‌شود: اول اینکه، این پدیده هنوز به حد تکامل نهایی خود نرسیده و همچنان دستخوش تحول است و هر روز بُعد جدیدی از ابعاد گوناگون آن مطرح می‌گردد و دیگر اینکه، پدیده جهانی شدن با سایر پدیده‌های مشابه، قرابت زیادی دارد. از این‌رو در تحلیل و تفسیر مفهوم جهانی شدن، توجه یا عدم توجه به تمایز این مفهوم از سایر مفاهیم و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر، مؤثر است. به عنوان نمونه، یکی از مفاهیمی که غالباً با جهانی شدن همسان تصور می‌شود مفهوم بین‌المللی شدن است. در حالی که این دو مفهوم علی‌رغم همپوشانی‌های ممکن، تفاوت‌های بارزی با یکدیگر دارند. چرا که بین‌المللی شدن به معنی تشدید تعاملات بین‌مرزی و وابستگی بین کشورهاست که در آن، گستره بین‌المللی لحاف چهل‌تکه‌ای از کشورهای دارای مرز می‌باشد و فضای جهانی، آمیزه‌ای از شبکه‌های فرامرزی است که در آن پدیده‌های جهانی می‌توانند همزمان در سراسر جهان گسترش یابند. الگوهای «بین‌المللی شدن» شدیداً تحت تأثیر تقسیمات دولت‌های ملی‌اند ولی الگوهای جهانی غالباً شباهت اندکی به مرزهای اقلیمی دارند. با وجود این، روابط جهانی و بین‌المللی با هم منافاتی ندارند و می‌توانند در کنار هم وجود داشته باشند. در واقع جهان معاصر در آن واحد، هم بین‌المللی شده و هم در حال جهانی شدن است.

از سوی دیگر، برخی از اندیشمندان، جهانی شدن را به معنی «آزادسازی»^۱ یعنی، فرایند رفع محدودیت‌های دولتی از تحرکات بین کشورها به منظور ایجاد

1. IMF: International Monetary Fund

یک اقتصاد جهانی «باز» و یکپارچه دانسته‌اند و یا اینکه گاهی اوقات، جهانی شدن از منظر «همگانی‌سازی»^۱ نگریسته شده است که به معنی گسترش اشیاء و تجربه‌ها به مردم گوشه و کنار کره زمین است (شولت^۲، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۲).

علاوه بر این بسیاری از مردم (به ویژه منتقدین امپریالیسم فرهنگی) جهانی شدن را به «غربی‌سازی»^۳ به ویژه به شکل آمریکائیش تعریف کرده‌اند که بر این اساس، جهانی شدن طرحی است که غایت آن، غلبه فرهنگ غرب بر جهان خواهد بود. نهایتاً برخی جهانی شدن را به اقلیم زدایی^۴ تعبیر کرده‌اند که به معنی دگرگونی در محیط‌های جغرافیایی است؛ یعنی فاصله‌ها و مرزها، تأثیر تعیین‌کننده قبلی خود را از دست می‌دهند (دعایی و عالی، ۱۳۸۴: ۱۲).

اگرچه مفاهیمی که بررسی شد همه با فرایند جهانی شدن مرتبط‌اند، اما نمی‌توان جهانی شدن را مترادف با هر یک از آنها دانست. جهانی شدن دارای معنای وسیعی است که جلوه‌های متعددی را در برمی‌گیرد و در واقع مجموعه‌ای از فرایندهاست که رویدادها، تصمیمات و فعالیت‌هایی را که در یک نقطه از جهان رخ می‌دهد به بخش‌های دیگر انعکاس می‌دهد و منجر به عکس‌العمل‌ها و تأثیراتی در سایر جوامع و افراد می‌گردد (گروه لیسبون^۵، ۱۹۹۹: ۱۵).

مطالعه تاریخی جهانی شدن نیز حاکی از این اختلاف نظر است. به عنوان مثال، برخی از صاحب‌نظران شروع جهانی شدن را قرن ۱۶، یعنی هنگامی که ارتباطات اقتصادی بین‌المللی شدت گرفته است، می‌دانند (هلد^۶، ۱۹۹۶: ۱۹۲). بنا بر نظر آنها، در این برهه از زمان به دلایل اقتصادی مستعمره‌نشینی، مهاجرت و تجارت بین‌المللی گسترش یافته و موجبات ظهور افکار جهانی‌سازی را در کشورهای توسعه‌یافته فراهم نموده است. گروهی دیگر از اندیشمندان، جهانی شدن را به اواسط قرن بیستم ارجاع داده و آن را از

1. Liberalization
2. Universalization
3. Shult
4. Westernization
5. Deterritorialization
6. Groupe de Lisbonne
7. Held



پیامدهای جنگ جهانی دوم دانسته‌اند. در این دیدگاه، مفهوم جهانی شدن با افزایش ارتباطات اجتماعی بین جوامع - که از آثار جنگ جهانی دوم است - شکل گرفته و سپس با رشد ابزارها و فناوری‌های ارتباطی به اوج خود رسیده است. طبق همین دیدگاه دیوید هلد (۱۹۹۵) در کتاب «دموکراسی و نظم جهانی»، با وجود نگاه آسیب‌شناختی به جهانی شدن، این پدیده را حرکت به سمت نوعی دموکراسی جهان‌شهری تعبیر می‌کنند که در عین حال، کثرت فرهنگی و اقتصادی را نیز در خود دارد.

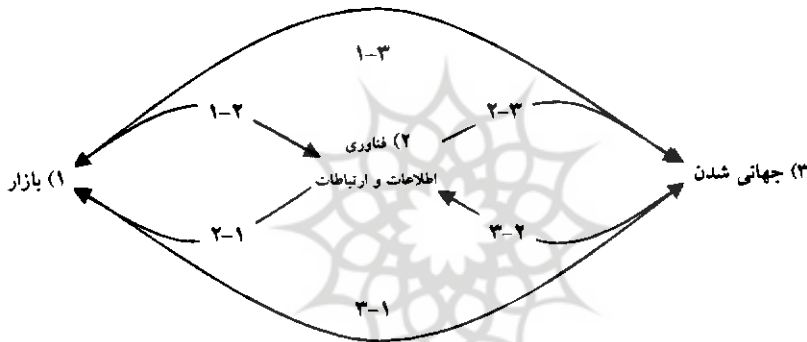
دو دیدگاه درباره جهانی شدن

در سیر تاریخی مفهوم جهانی شدن، همواره دو دیدگاه در ارتباط با جهانی شدن به موازات یکدیگر وجود داشته است. دیدگاه اول مربوط به اندیشمندانی است که جهانی شدن را امتداد مدرنیسم دانسته و جهانی شدن را به منزله یک طرح تصور می‌کنند. طبق این دیدگاه که بیشتر با اصطلاح جهانی سازی، همخوانی دارد، جهان‌گرایی یا جهانی سازی تلاشی عمدی است که می‌کوشد نظامی ایدئولوژیک یا اجتماعی - اقتصادی را با پدیده‌های طبیعی جهانی شدن پیوند زند و از این طریق آنها را جهانی سازد (گیدنز، ۱۹۹۴: ۵۴).

در دیدگاه دوم، جهانی شدن کاملاً متفاوت با مفهوم جهانی سازی است. در این دیدگاه، مقصود از جهانی شدن وضعی است که کم و بیش به طور طبیعی در نتیجه تحولات جهانی به ظهور می‌رسد. به طور مثال با ظهور رایانه و شبکه‌های ارتباطی خواه‌ناخواه مرزهای جغرافیایی کم‌رنگ می‌شوند و در نتیجه آن، تحولی جهانی رخ می‌دهد که طی آن جوامع و افراد در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار می‌گیرند. نکته حائز اهمیت در ارتباط با این دو دیدگاه این است که جهانی شدن را نمی‌توان کاملاً جدا از مقاصد انسانی و یا فارغ از تأثیر فرایندهای اجتماعی و توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی تصور نمود. از این رو باید آن را به عنوان طرح/ فرایند در نظر گرفت، که می‌تواند به منزله پلی بین این دو دیدگاه و در واقع نتیجه تعامل میان مقاصد و فرایندهای اجتماعی و تکنولوژیکی باشد.

جهانی شدن، بازار و فناوری های ارتباطی

از آنجا که تبیین یک پدیده اجتماعی مستلزم داشتن نظرگاه‌های تکمیل‌کننده است (گلشنی، ۱۳۶۹: ۶۹) در ارتباط با تاثیر جهانی شدن بر آموزش عالی نیز باید پدیده‌های مرتبط متعددی را در نظر گرفت. جهانی شدن از طرفی متأثر از بازار و تحولات آن و از طرف دیگر، متأثر از تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی است (گروه لیسبون، ۱۹۹۹: ۵). بنابراین، این عوامل با جهانی شدن، حلقه‌هایی ارتباطی را ایجاد نموده‌اند که به طور متوالی بر یکدیگر اثر می‌گذارند و منجر به تقویت یکدیگر می‌شوند. شکل (۱) چگونگی این ارتباطات را نشان می‌دهد.



شکل (۱): ارتباط میان جهانی شدن، بازار، فناوری اطلاعات

همان‌گونه که در شکل بالا مشخص شده است تحولات بازار سهم عظیمی در ایجاد سناریوی جهانی برای جریان سرمایه، کالا و خدمات دارد (منحنی ۱-۳). از طرفی دیگر جهانی شدن نیز با تکیه بر مکانیزم‌های رقابتی و الحاق عاملان اقتصادی بیشتر، بر بازار مؤثر واقع می‌شود (منحنی ۳-۱) (لوپز، ۲۰۰۳: ۶).

رشد فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید نیز از آنجا که به طور فزاینده‌ای نقل و انتقالات را تسهیل می‌کند، به ارتباط بیشتر میان عاملان اقتصادی و اجتماعی منجر می‌گردد (منحنی ۲-۳). از طرفی دیگر گاه افزایش عاملان اقتصادی و اجتماعی، فضایی برای توسعه فناوری‌های ارتباطی و

اطلاعاتی فراهم می‌کند (منحنی ۲-۳). همچنین می‌توان گفت فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی منجر به توسعه بازار (منحنی ۱-۲) و بازار عامل اصلی تعیین قیمت و ارائه تکنولوژی‌های جدید است (منحنی ۲-۱). این پیچیدگی و ارتباط بین این عوامل در زمینه آموزش عالی نیز دیده می‌شود، به طوری که اگر چه دانشگاه‌ها ایجاد کننده تکنولوژی‌های جدید هستند اما بازار تعیین می‌کند کدام کالا و به چه شکل باید گسترش و توسعه یابد و تکنولوژی‌های مذکور نیز خود، عامل گسترش بازار در سطح جهانی‌اند.

جهانی‌شدن و ادراک پدیده‌ها

همان‌گونه که فرایند جهانی‌شدن می‌تواند تحت تأثیر نحوه ادراک ما از پدیده‌های جهان قرار گیرد، جهانی‌شدن و عوامل مربوط به آن نیز می‌تواند به تغییراتی در ادراک پدیده‌های جهانی منجر شود. به عبارت دیگر جهانی‌شدن به همراه تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن، می‌تواند بر چگونگی ادراک افراد از پدیده‌ها تأثیر گذارد. این رابطه تعاملی، به‌نوعی بر همه کارکردهای مؤسسات اجتماعی از جمله آموزش عالی مؤثر است. به منظور ایضاح بیشتر، می‌توان این رابطه را در حوزه هر یک از مقوله‌های فلسفی (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی) به تفکیک مورد بررسی قرار داد. در رابطه با قلمرو هستی‌شناسی، گفتنی است که همه انسان‌ها در ذهن خویش تصور خاصی نسبت به پدیده‌های جهان و روابط بین آنها دارند که چگونگی این تصور به رفتارهای معینی منجر می‌گردد. تعبیر از خداوند، زندگی، خویشتن، زمان و فضا مباحثی از این قسم است. برای مثال، از نظر برخی متفکران مانند آنتونی گیدنز (۱۹۹۴) در جوامع سنتی همیشه زندگی اجتماعی با حضور در مکان و محلی معین معنا می‌یافت؛ در حالی که در زندگی مدرن می‌توان در مکان یا محلی حاضر نبود ولی در فضای آن قرار داشت و در زندگی و پدیده‌های اجتماعی آن فضا مشارکت ورزید. در این میان آنچه اهمیت دارد این است که جدائی‌های مکانی و محلی، دیگر باعث انقطاع اجتماعی و گسستگی انسان‌ها از یکدیگر نیستند. مدرنیته و نهایتاً جهانی‌شدن باعث می‌شود که حتی انسان‌هایی که از هم دورند بتوانند در شکل‌گیری یک جامعه یا یک پدیده اجتماعی در فضای مدرن در کنار هم قرار گیرند؛ از این جهت بحث‌های گسترده جاری درباره واقعیت مجازی، روشن‌نگر به نظر

می‌رسند و ما برای رواج مجدد هماهنگی میان استنباط‌ها و تجربیات‌مان در مسیری می‌افتیم که تعاریف فوق قلمروگرایانه غیرمتعارفی از فضا بسازیم این نوع دگرگونی در هستی‌شناسی به ما امکان خواهد داد تا فضای سایبرنتیکی و واقعیت مجازی را با واقعیت حقیقی جابجا کنیم. تصورات مربوط به زمان، زمینه دیگری است که ظهور فوق قلمروگرایی، موجب برخی دگرگونی‌های هستی‌شناختی در آن شده است، به طوری که اکنون افراد گرایش کمتری به تفکر درباره زمان با ارجاع به فاصله مکانی دارند. این تحولات هستی‌شناختی، منجر به فشردگی مفهوم زمان و مکان شده و این امر ایجاد فضاهای مجازی، جابجایی سریع اطلاعات از مکانی به مکان دیگر بدون صرف وقت و تغییر هویت افراد در این مکان‌ها را در پی داشته است (سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۴۸).

در قلمرو معرفت‌شناسی نیز این رابطه به شکلی دیگر رخ‌نمایی می‌کند. پرسشی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آیا جهانی شدن موجب تغییر تلقی از دانش، شده یا نه و اگر چنین باشد این تغییر به چه شیوه‌هایی رخ داده است؟ گسترش معرفت‌شناسی پسامدرن در دوران معاصر را می‌توان به نوعی با جهانی شدن مرتبط دانست. برای مثال، روابط جهانی با از بین بردن مرزها موجب تشدید تماس‌های میان فرهنگ‌ها شده و آگاهی عمومی از تنوع فرهنگی را تقویت کرده است. در نتیجه، بسیاری از مردم مطابق با برداشت‌های پسامدرن، دانش خود را از نظر اجتماعی و تاریخی نسبی تلقی می‌کنند. این نوع معرفت‌شناسی، کل دانش را وابسته به زمان و مکان و همچنین اشخاصی می‌داند که آن را می‌سازند؛ بنابراین هر حقیقتی به بافتی که در آن قرار دارد وابسته است (شولت، ۱۳۸۱: ۲۳۶).

همچنین جهانی شدن با افزایش تجارت کالا تغییراتی در فرهنگ مصرف ایجاد کرده و منجر به گسترش مصرف شده است (نادری‌ینی، ۱۳۸۶: ۱۸۵) نگرش مصرف‌گرایی به عنوان شیوه‌ای از شناخت دنیا (از طریق خرید کردن، جهان‌گردی و غیره) برای احساس و هیجان‌آوردن اهمیت بیش از علم قائل است. مصرف‌گرایی، برخلاف منطق ابزارگرا اولویت بیشتری برای ارضای تمایلات قائل است تا حل مشکلات؛ اما هنوز دانشگاهیان، بازرگانان، مقامات رسمی و گرداندگان جامعه مدنی، جهت‌گیری عقل‌گرا را حفظ کرده‌اند. به



ویژه عقل‌گرایی جدید در تاریخ معاصر، اغلب بازتابی تر^۱ شده است. برخی از جامعه‌شناسان، اصطلاح، بازتابی بودن را برای توصیف اندیشه عقل‌گرا که به شدت خودآگاه، خودپیکر و خودانتقادی است به کار برده‌اند^۲ (گیدنز، ۱۹۹۴: ۷۸).

این عدم اعتقاد به قطعیت عقل و نسبی‌گرایی، به کنار گذاردن عنصر اعتقاد و توجه بیشتر به زمینه‌های شکل‌گیری افکار و عقاید و شکست فراروایت‌ها منجر شده است (لیوتار^۳، ۱۳۸۴: ۱۷۴).

در حوزه ارزش‌شناسی، از یک طرف جهانی شدن بر اهمیت یافتن ارزش‌های جهانی اثر می‌گذارد و از طرفی دیگر، اخلاقیات مربوط به تکثرگرایی فرهنگی و محترم شمردن همه ملیت‌ها و فرهنگ‌ها را ترویج می‌نماید. اهمیت یافتن ارزش‌های جهانی بدین معناست که، به منظور آماده‌سازی انسان‌ها برای زندگی مشترک در جامعه جهانی، آنها را باید به سوی ارزش‌هایی که جهان شمول و عمومی‌اند، سوق داد. پرورش روحیه عدالت‌خواهی، نوع دوستی، ایجاد حس همدلی، توجه به حفظ محیط زیست و توانایی تحمل دیگران از اهم این صفات است که معمولاً در قالب اصطلاحاتی چون تربیت شهروند جهانی ظهور می‌یابد (فرمینی فراهانی، ۱۳۸۲: ۳۶۷).

جهانی‌شدن و آموزش عالی

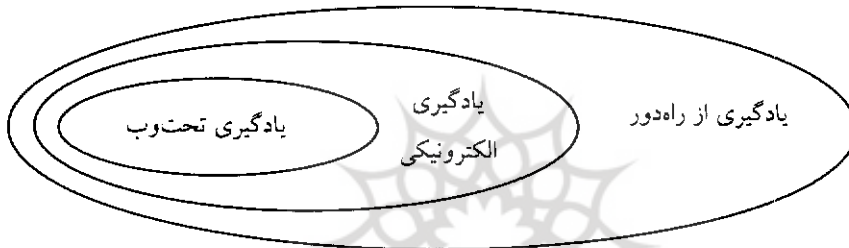
آنچه از مطالب اخیر می‌توان نتیجه گرفت این است که جهانی‌شدن با توجه به ابعاد پیچیده و پیامدهای متنوع آن، می‌تواند اثرات متعددی را در ابعاد مختلف نظام آموزش عالی بر جای گذارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

1. Reflexivity

۲. عقل‌گرایی انتقادی در حقیقت، دیدگاه تغییر شکل یافته‌ای از عقل‌گرایی سنتی است. بدین معنا که همانند عقل‌گرایی سنتی (دیدگاه‌های مدرنیسم) تفکر و روش استدلال قیاسی برای دستیابی به شناخت، هسته مرکزی این نظریه را تشکیل می‌دهد. وجه ممیز این نظریه با عقل‌گرایی سنتی در این است که برای تجربه به عنوان وسیله ابطال فرضیه‌ها اهمیت قابل توجهی قائل است نه اثبات آنها (شعبانی ورکی، ۱۳۸۵: ۵۹).

3. Lyotard

۱) به کارگیری فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی (ICT) در دانشگاه‌ها همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، جهانی‌شدن تحت تأثیر دو عامل عمده بازار و فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی شکل گرفته است که البته اگرچه این فناوری‌ها به آموزش‌های از راه دور سرعت بخشیده؛ اما زیربنای همه آنها، ارتباطات بین افراد و مؤسسات است. در واقع فناوری اطلاعات، ابزاری در جهت رشد این ارتباطات است. همان‌گونه که شکل ۲ نشان می‌دهد، در آموزش عالی این فناوری‌ها، مدل‌های آموزشی متعددی از قبیل یادگیری از راه دور، یادگیری الکترونیکی و یادگیری تحت شبکه^۱ را ایجاد نموده است (آندرسون^۲، ۲۰۰۵: ۵).



شکل ۲: اشکال مختلف یادگیری و آموزش مبتنی بر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی

نکته دیگر این است که اگرچه فناوری‌های ارتباطی به رشد فرایندهای جهانی سرعت بخشیده، اما خود حاصل علوم تکنولوژیکی در دانشگاه‌هاست و از سوی دیگر تقاضا و رقابت بازار، نوع نیاز به آنها را مشخص می‌کند. از این رو در آموزش عالی، رشته‌های درسی به سمت علوم تکنولوژیکی پیش می‌روند و از این طریق بازار به دانشگاه و دانشگاه به بازار وابسته می‌شود؛ این وضعیت می‌تواند اولویت‌های تحقیقی اساتید را نیز تحت‌الشعاع قرار دهد (اسلاتر و لسلی^۳، ۲۰۰۶: ۴۵).

۲) پیدایی دانشگاه مجازی

دانشگاه مجازی یکی از مهم‌ترین اثرات انقلاب اطلاعات در زمینه روش‌های کسب دانش بوده است. دانشگاه مجازی، دانشگاهی است که قادر است

1. Web
2. Anderson
3. Slaughter and Leslie

تجهیزات فیزیکی خود را کاهش دهد و در عوض به واحدهای کوچک غیرمتمرکز که از طریق شبکه ارتباطاتی قوی به هم متصل می‌شوند، متکی باشد. به عبارت دیگر، در این نوع دانشگاه‌ها محدودیت‌های ساختمانی از میان برداشته شده و به دنبال آن فعالیت‌های هماهنگی و نظارتی که قبلاً شخصی و رودررو بوده، از راه دور و از طریق کابل‌ها و سیم‌های ارتباطی صورت می‌گیرد. همچنین، دانشگاه‌های مجازی فاقد مرزهای کنونی‌اند زیرا از طریق فناوری چنان به هم نزدیک می‌شوند که دیگر نمی‌توان گفت ابتدا و انتهای دانشگاه در کجا واقع است. از طرفی دیگر، دانشگاه‌های مجازی به دلیل اتکای زیاد بر فناوری اطلاعات، دارای مزایای ذاتی؛ یعنی، اتکاء بر «علم و دانش»‌اند و در این فضاهاى مجازى آنچه اهمیت می‌یابد اشخاص نیستند، بلکه شایستگی‌های علمی است (عطاران، ۱۳۸۲: ۸۹-۸۱).

۳) مقررات زدایی

همچنان که قبلاً ذکر شد جهانی‌شدن حاصل دیدگاه‌های نئولیبرالیستی سال‌های ۱۹۸۰ است و یکی از مضامین اصلی آن، کاهش نقش دولت‌ها در سراسر دنیا است. در این خصوص، هابرماس^۱ معتقد است مهم‌ترین اثر جهانی‌شدن تغییر نقش دولت‌ها و شکسته‌شدن روابط دولت و ملت است که می‌تواند فرصت‌ها و چالش‌های فراوانی را برای دانشگاه‌ها ایجاد کند (لیوتار، ۱۳۸۴: ۵۰-۴۶). همچنین، مقررات زدایی که در راستای حرکت دولت‌ها به سمت کاهش اعمال مقررات اقتصادی برای سازمان‌ها و مؤسسات پیش می‌رود منجر به بروز فعالیت‌های کارآفرینانه در دانشگاه‌ها می‌شود. در برخی از کشورها این مفهوم به صورت تمرکززدایی مطرح گشته و در سرلوحه طرح‌های توسعه دانشگاهی قرار گرفته و موجبات رشد وسیعی را نیز فراهم نموده است. اگرچه خودگردانی اقتصادی دانشگاه‌ها فرایندی آرام و پیچیده است اما در توسعه دانشگاه‌ها نقش به‌سزایی را ایفا نموده است. البته از آنجا که دانشگاه‌ها در راستای مقررات زدایی، ملزم به درآمدزایی می‌شوند آسیبی نیز در این راستا به وجود می‌آید و آن کاهش کیفیت تدریس، یادگیری و تأکید بیشتر بر توسعه

کمی است که اکنون دامن‌گیر اغلب دانشگاه‌های جهان شده است (اسلاتر و رودس، ۲۰۰۴: ۷).

بنابراین، مقررات‌زدایی هم می‌تواند فرصت‌زا (توسعه دانشگاه‌ها و رشد کارآفرینی) و هم تهدیدزا (کاهش کیفیت و توجه به تدریس و یادگیری) باشد.

۴) خصوصی‌سازی

تأثیر دیگر جهانی‌شدن بر دانشگاه‌ها، عمل خصوصی‌سازی است؛ این فرایند مشتمل بر مقررات‌زدایی و کاهش نقش دولت است. به عبارت دیگر، در این حالت مقررات‌زدایی و کاهش نقش دولت در راستای یک هدف مشخص صورت می‌پذیرد و آن خصوصی‌سازی است. در راستای خصوصی‌سازی، دانشگاه‌ها به دنبال کسب سود و رقابت در بازارند و این باعث می‌شود علاوه بر تمرکز بر رشته‌های حرفه‌ای و بازاری، به دنبال کسب سود از طریق جذب دانشجویان خارجی و طرق دیگر باشند و مخارج خود را از این طریق تأمین کنند (کوهن، ۲۰۰۳: ۱۲).

۵) استاندارد سازی

جهانی‌شدن باعث می‌شود دانشگاه‌ها به سمت افزایش همگنی با استانداردها حرکت کنند و این انعکاسی از نفولیرالیسم است که سعی در تولید کالاها و محصولات استاندارد برای کسب سود در بازار بین‌المللی دارد. از نظر آن‌ها اگر کالاها و محصولات ارائه شده در بازار تضمین شده باشند، باعث افزایش سود و کاهش ریسک در بازارهای بین‌المللی می‌گردند. در نتیجه ما شاهد سیاست‌هایی در آموزش عالی هستیم که دانشگاه‌ها و اساتید را در قالبی تعامل‌پذیر با سایر دانشگاه‌ها قرار می‌دهد.

این مفهوم نیز به طریقی با جهانی‌شدن فرهنگی در ارتباط است. در واقع هنگامی که از تجمع مؤسسه‌ای و استانداردسازی صحبت می‌شود، این اعتقاد توسعه می‌یابد که همه دانشگاه‌ها باید شبیه یک دانشگاه خاص مثلاً هاروارد باشند و در این حالت حتی تحقیقات دانشگاهی نیز به صورت تقلیدی در می‌آیند و هدف، تنها افزایش رتبه طبق مدارج مشخص شده خواهد بود

(بنسیمان و اوردوریکا، ۲۰۰۶: ۲۵۰)؛ برخی از متفکران این پدیده را، نوعی آمریکایی شدن دانشگاه‌ها نامیده‌اند (باربر^۲ و همکاران، ۱۹۹۳: ۶۵).

آسیب‌شناسی جهانی‌شدن برای تحقیقات بنیادی آموزش عالی

اگرچه جهانی‌شدن اثرات مثبت فراوانی از نظر موضوع و روش بر تحقیقات در دانشگاه‌ها نهاده است، اما در اینجا با نظر به هدف مقاله به عواملی اشاره می‌گردد که ممکن است هر یک از آنها به‌عنوان تهدیدی جدی برای تحقیقات بنیادی در آموزش عالی، به حساب آیند:

۱- آسیب ناشی از رتبه‌بندی دانشگاه‌ها

امروزه رتبه‌بندی دانشگاه‌ها یکی از مباحث داغ محافل دانشگاهی محسوب می‌شود. تاکنون ده‌ها گونه رتبه‌بندی از دانشگاه‌ها در سراسر جهان به عمل آمده است ولی از آنجا که نتایج آنها اختلاف فراوانی با یکدیگر دارند، اعتبار این رتبه‌بندی‌ها زیر سؤال رفته است. آنچه از این رتبه‌بندی‌ها مشخص شده، این است که در سیستم اهداف و ارزیابی هر رتبه‌بندی نسبت به رتبه‌بندی‌های دیگر، تفاوتی چشمگیر وجود دارد؛ زیرا یک دانشگاه در رتبه‌بندی‌های مختلف، جایگاه متفاوتی را به خود اختصاص داده و دلیل این امر علاوه بر سیستم اهداف و ارزیابی متفاوت، ناشی از اختصاص وزن‌های مختلف به شاخص‌هایی است که برای ارزیابی جنبه‌های مختلف آموزش عالی در نظر گرفته شده است (یوشر و ساوینو، ۲۰۰۶: ۴).

یکی از مشکلات رتبه‌بندی دانشگاه‌ها این است که نمی‌توان همه نگرش‌ها و اهداف مؤسسات آموزشی را در یک رتبه‌بندی خاص پوشش داد، زیرا رده‌بندی‌هایی که تاکنون انجام گرفته با یک معیار مشخص که معمولاً از یک دانشگاه اقتباس شده است، تمامی دانشگاه‌ها را مورد مقایسه قرار داده و از این‌رو جامع همه نگرش‌ها نبوده است (رودس، ۲۰۰۶: ۱۱). مشکل دیگر این است که با هیچ کدام از روش‌های سنجشی که تاکنون در مقایسه دانشگاه‌ها صورت گرفته، ارزش افزوده حاصل از تدریس و یادگیری را نمی‌توان سنجید و

1. Bensimon and ordorika
2. Barber
3. Usher and Savino

مورد مقایسه قرار داد. بنابراین تمامی رتبه‌بندی‌هایی که تاکنون صورت گرفته، از هدف اصلی دانشگاه‌ها که افزایش یادگیری و ارزش افزوده دانش در افراد است دور گشته و به امور کمی و سنجش‌پذیر محدود گشته‌اند (مارگینسون و ساویر، ۲۰۰۶: ۳۴) و دانشگاه‌ها نیز برای رقابت با یکدیگر (الگوی وام‌گرفته از بازار) به دنبال ملاک‌ها و معیارهایی می‌روند که بتوان آن‌ها را در این رتبه‌بندی‌ها بالاتر برد و از این جهت موجبات کسب سود بیشتر را فراهم نمود که این امر تحقیقات دانشگاهی را بر مبنای تقاضای بازار و به سوی تحقیقات کمی جهت می‌دهد (رودس، ۲۰۰۶: ۱۱).

۲- آسیب ناشی از خصوصی‌سازی

تحقیقات بنیادی، شامل فعالیت‌هایی است که هدف آن گسترش مرزهای دانش بدون توجه به کاربردهای عملی خاص است. این تحقیقات، اگرچه در ایجاد و توسعه علوم و صنایع نقش مهمی به عهده دارند اما از آن‌رو که مستقیماً منتهی به درآمد نمی‌شوند مورد توجه واحدهای صنعتی و بخش خصوصی قرار نمی‌گیرند. آنچه در راستای جهانی‌شدن به صورت پنهان رشد کرده، تجاری‌شدن تحقیقات است که ضربات سنگینی را بر پیکره آموزش عالی وارد نموده است. به طوری که در گزارش بانک تجارت جهانی، سیاست‌های آموزشی آموزش عالی در رشد اقتصادی جهان تأثیر چشمگیری داشته است (رودس، ۲۰۰۶: ۱۱).

در تحقیقی که اسلاتر (۱۹۹۸) در زمینه سیاست‌های آموزشی در استرالیا، کانادا، بریتانیای کبیر^۲ و ایالات متحده آمریکا انجام داده، دریافت که سیاست‌های آموزشی همه این کشورها در راستای انجام تحقیقات تجاری بوده و از این‌رو برنامه درسی آن‌ها نیز مبتنی بر برنامه‌های درسی حرفه‌ای و تجاری بنا شده و به دنبال کاهش هزینه‌ها و افزایش سود بوده است (اسلاتر و رودس، ۲۰۰۴: ۳۰).

1. Marginson and Sawir
2. UK: United Kingdom

۳- آسیب ناشی از به کارگیری فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی

امروزه اینترنت به عنوان یکی از منابع اطلاعاتی مهم در دسترس پژوهشگران دانشگاهی قرار گرفته است. به طوری که شاید بتوان گفت بخش عظیمی از تحقیقات دانشگاهی از طریق استفاده از اطلاعات اینترنتی پایگاه‌های اطلاع‌رسانی جهانی صورت می‌گیرد. این در حالی است که هیچ نظارت کیفی بر انتشار اطلاعات اینترنتی وجود ندارد و به سختی می‌توان بین یک وبسایت شخصی و وبسایت یک سازمان مهم تمیز قائل شد. همچنین، استفاده درست از اطلاعات اینترنتی مستلزم رشد تفکر انتقادی کاربران، مسئولیت‌پذیری محققان دانشگاهی در نظارت بر اطلاعات و در نظر گرفتن شرایط و ساختارهای اجتماعی- فرهنگی در مطالعات تطبیقی است (پریس، ۲۰۰۲: ۱۲).

از این رو، نظام آموزشی ما نیازمند یک تغییر نگرش جدی از رویکرد ابزارگونه به فناوری ارتباطات و اطلاعات به نوعی رویکرد استراتژیک است. در این نوع نگرش، قبل از به کارگیری تکنولوژی‌های ارتباطی، باید هدف ما استفاده از یک تکنولوژی، مشخص باشد و اینکه به واسطه تکنولوژی در پی تحقق چه چیزی هستیم؟ با چه روشی دریابیم که آنچه مترصدش بوده‌ایم متحقق شده است یا نه؟ و نهایتاً اینکه آیا آنچه که ما به مدد تکنولوژی به انجام رسانیده‌ایم در راستای مأموریت و رسالت آموزشی ما بوده است یا خیر؟ بدیهی است که بی‌توجهی به نگرش استراتژیک نسبت به فناوری ارتباطات و اطلاعات می‌تواند آسیب‌های جدی را بر تحقیقات بنیادی در دانشگاه‌ها وارد نماید.

نتیجه‌گیری

این مقاله، آسیب‌شناسی تحقیقات بنیادی آموزش عالی در عصر جهانی شدن را کانون توجه خود قرار داده است. بدین منظور ابتدا مفهوم‌شناسی جهانی شدن و ارتباط آن با مفاهیم دیگر مورد بحث قرار گرفت، آنگاه اثرات متعددی که پدیده جهانی شدن بر ابعاد مختلف نظام آموزش عالی بر جای گذاشته، بررسی شد و در خاتمه چالش‌هایی که جهانی شدن برای آموزش عالی ایجاد کرده؛ که هریک از آنها به نوبه خود می‌توانند به عنوان آسیبی جدی در تحقیقات بنیادی محسوب شوند، مورد مطالعه قرار گرفته است.

درباره اثرات کلی جهانی شدن بر آموزش عالی، عوامل مهمی مثل فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، مجازی شدن، مقررات‌زدایی، خصوصی‌سازی و استانداردسازی را باید مورد توجه قرار داد؛ هر یک از اینها می‌توانند بر همه ابعاد آموزش عالی تأثیرگذار باشند. برای مثال، استانداردسازی و همگنی و رقابت دانشگاه‌های موجود در سراسر دنیا، می‌تواند خط و مشی و برنامه استراتژیک دانشگاه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

اموری مثل رتبه‌بندی دانشگاه‌ها، خصوصی‌سازی، فناوری ارتباطی و اطلاعاتی علی‌رغم اثرات مثبتی که می‌توانند بر توسعه دانشگاه‌ها داشته باشند و اگر مواجهه با آنها مدبرانه نباشد، می‌توانند تهدیدی جدی برای تحقیقات بنیادی به حساب آیند. از این‌رو، یکی از راهبردهای منطقی در برخورد با هر پدیده جدید از جمله جهانی شدن و الزامات خاص آن، این است که مغفول اصل «همه یا هیچ» نگردیم؛ یعنی از طریق گزینش عقلانی، از آثار مطلوب آنها بهره‌مند شویم.

به سخن دیگر در مواجهه با فرایند جهانی شدن، محققین و دست‌اندرکاران آموزش عالی می‌توانند ابعاد مختلف جهانی شدن و آثار و پیامدهای آن را به طور دقیق واریسی کنند و ضمن لحاظ نمودن واقعیت‌های موجود و امکانات کشورمان و محور قراردادن تحقیقات بنیادی و تولید دانش با پدیده‌های آسیب‌زا مقابله و از فرصت‌های جهانی شدن نیز به گونه‌ای منطقی بهره‌برداری نمایند.

پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. دعایی، حبیب ا. و عالی، مرضیه. (۱۳۸۴). سازمان‌ها در بستر جهانی‌شدن. چاپ اول. مشهد: بیان هدایت نور.
۲. شعبانی ورکی، بختیار. (۱۳۸۵). منطق پژوهش در علوم تربیتی و اجتماعی: جهت‌گیری نوین. چاپ اول. تهران: به نشر.
۳. شولت، یان آرت. (۱۳۸۲). نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی‌شدن. ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۴. لیوتار، ژان فرانسوا. (۱۳۸۴). وضعیت پست مدرن: گزارشی درباره دانش. ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: گام نو.
۵. گلشنی، مهدی. (۱۳۶۹). دیدگاه‌های فلسفی فیزیکدان‌های معاصر. چاپ اول. تهران: چاپ امیرکبیر.
۶. نادری بنی احسان. (۱۳۸۶). پژوهش جهانی‌شدن و فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی. دانشگاه مفید. تهران: کمیسیون فرهنگی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۷. ایران زاده، سلیمان. (۱۳۸۰). جهانی‌شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان. چاپ اول. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۸. سلیمی، حسین. (۱۳۸۴). نظریه‌های گوناگون درباره جهانی‌شدن. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
۹. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته. ترجمه محسن تلاشی. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
۱۰. عطاران، محمد. (۱۳۸۲). دانشگاه مجازی: تحول از آموزش به یادگیری. مجله تکفأ. سال اول، شماره پنجم و ششم.
۱۱. فرمهینی فراهانی، محسن. (۱۳۸۲). جهانی‌شدن و تربیت شهروند جهانی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی‌شدن و تعلیم و تربیت. چاپ اول. تهران: جهاد دانشگاهی.
12. Anderson, Jonathan. (2005). IT, e-learning and teacher development. *International Education Journal*, Vol. 5, No. 1.
13. Barber, Benjamin. (1993). *World: How globalism and tribalism are shaping the world*. New York: Ballantine Books.
14. Bensimon, Estela, & Ordorika, Imanol. (2006). *Mexico's estímulos faculty compensation based on piecework in the university, state, and market: The political economy of globalization*. In Robert A. Rhoads and

- Carlos Alberto Torres. Stanford, CA: Stanford University Press.
15. Cohen, David. (2003). Speakers give contrasting views of academic caliber of Australia's foreign-student market. *The Chronicle of Higher Education, Today's News*, October 17.
 16. Council on International Education Exchange: CIEE. (2006). From: <http://www.ciee.iorg>.
 17. Giddens, Anthony. (1994). *The consequences of modernity*. Stanford, CA: Stanford University Press.
 18. Groupe de Lisbonne. (1999). *Limits to competitiveness: For a new world contract*. Brussels: Labor.
 19. Held, David. (1996). Editor's introduction. In *Political Theory Today*, (ed.) David Held. Stanford: Stanford University Press.
 20. Held, David. (1995). *Democracy and the global order: From the modern state to cosmopolitan governance*. Cambridge: Polity.
 21. López, Francisco. (2003). Globalization and education. *Prospects*, Vol. XXXIII, No. 3, September.
 22. Marginson, S. & Sawir, E. (2006). University leaders' strategies in the global environment: A comparative study of University of Indonesia and the Australian National University. *Higher Education*, 45.
 23. Paris, P. G. (2002). Critical thinking and use of the internet as a resource. *International Education Journal*, Vol. 4, No. 1.
 24. Rhoads, Robert, A. (2006). Globalization and resistance in United States and Mexico: The Global Potemkin Village. *Higher Education*, 45.
 25. Sinnigen, J. (2000). Foreign language education, intercultural communication, and the conditions of globalization. *ADFL Bulletin*, 31.
 26. Slaughter, S. (1998). *National higher education policies in a global economy*. In J. Currie & J. Newson (Eds.). *Universities and globalization: Critical perspectives* (pp. 45 - 70). Thousand Oaks, CA: Sage.
 27. Slaughter, Sheila & Rhoades, Gary. (2004). *Academic capitalism and the economy: Markets, state and higher education*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
 28. Slaughter, Sheila, & Larry L. Leslie. (2006). *Academic Capitalism: Politics, Policies*. Accessed on 2 April at: <http://www.educationalpolicy.org>.
 29. Usher, A. & Savino, M. (2006). *A world of difference: A global survey of university league tables*. Accessed on 2 April at: <http://www.educationalpolicy.org>.